

بیت

شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴
شماره ۴۶۴۰

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

بیت

دربارهٔ یک نامه، چند کانال و… که این روزها خبرساز شده‌اند

زخم دانشگاه را ناسور نکنید



زهرا طیبی

خبرنگار گروه سیاست

هفته گذشته، برخی دانشگاه‌های تهران، صحنه بروز اتفاقاتی قابل تأمل و تلخ بودند که در واقعیت نسبتی با فضای آکادمیک نداشت. جمعیتی که چند روز پس از یازدهم شهریور و به اسم برگزاری مراسم چهلم جان‌باختگان اتفاقات ۱۸ و ۱۹ دی، دست به اعتراض در محیط دانشگاه زدند، نهایتاً به توهین به نمادهای ملی، فحاشی و درگیری با همکلاسی‌هایشان رسیدند. اتفاقات تلخ در عالی‌ترین نهادهای آموزش عالی کشور، نشان داد ضروری است، تأملی جدی در چرایی و چگونگی بروز این اتفاقات در فضای دانشگاه صورت گرفته و در گام بعد هم سیاستگذاران به دنبال راه‌هایی برای جلوگیری از تکرار این رویدادها و حرکت دانشجو به سمت کنش‌های خشونت‌آمیز، بروند. از زمان شروع ناآرامی‌ها در دانشگاه مواجهه‌هایی مناسب برای مدیریت این فضا صورت گرفته اما در برخی موارد نیز همچنان اتفاقاتی زیر پوست دانشگاه در حال وقوع است که زنگ خطر ادامه چرخه خشونت را به صدا در آورده است. در این موقعیت انتظار می‌رود مسئولان دانشگاه ضمن درک شرایط حساس، برخوردی هوشمندانه و منطقی با اتفاق رخ داده، داشته باشند اما در کمال تعجب واکنش برخی از رؤسای دانشگاه‌ها به جای آرام و مدیریت کردن فضا، به مثابه بحرانی تازه برای مدین برآتش اتفاقات رخ داده عمل می‌کند.

صحنهٔ ابتدال در دانشگاه

نمی‌توان این گزاره را انکار کرد که در روزهای گذشته دانشگاه صحنه اتفاقات و رویدادهای تلخی بود که بیش از پیش به جایگاه دانشگاه آسیب زد. فحاشی، توهین به مقدسات، آتش زدن پرچم و درگیری‌های عجیب، رویدادهایی نیستند که وقوع آن در فضای دانشگاه امری عادی باشد. دانشگاه نباید منفعل و بدون واکنش نسبت به واقعیت‌های جامعه باشد؛ اما روشن است که جنس اعتراضاتی که در دانشگاه اتفاق می‌افتد و حتی نوع بروز آن می‌بایست با فضای عمومی جامعه، متفاوت باشد. دانشگاه باید با طرح سؤال، مسئله و انتقادات کلیدی به نقصان‌ها و ناکارآمدی‌ها ورود کند و برای جامعه خط مشی تعیین کند و این مسیر باید از جانب دانشجویان دنبال هم دنبال شود. اما آنچه در روزهای گذشته در دانشگاه اتفاق افتاد نه تنها در سطح دانشگاه که از سطح اعتراض مردم عادی یک جامعه نیز نازل‌تر بود. رفتارها به گونه‌ای در فضای دانشگاه بروز پیدا کرد که گویی برخی از دانشجویان، نه تنها فهمی از هویت و غرور ملی دارند، بلکه خط قرمز ی برای حفظ این هویت‌ها ندارند. این صحنه‌های تلخ به یک معنا زمینه کشاندن دانشگاه به ابتدال را فراهم کرد.

صیانت از شأن دانشگاه

در روزهای پس از اعتراضات در فضای دانشگاه به این گزاره اشاره شد که ناآرامی‌های رخ داده چند طیف از دانشسجویان را در بر می‌گرفت؛ گروهی

معارض بودند اما لزوماً رفتارهای ساختارشکنانه نشان نمی‌دادند، گروهی که به اسم اعتراض به فحاشی و هتک حرمت و درگیری دست می‌زدند و گروهی قلیل هم در این میان با سلاح سرد با دانشجویان درگیر می‌شدند. گروهی دیگر از دانشجویان هم در مقابل این جمعیت و برای برخورد با رفتارهای ساختارشکنانه در دانشگاه حضور پیدا کردند. در این میان، عبور دانشگاه از اتفاقات ساختارشکنانه‌ای که در فضای آکادمیک رخ داده، موجب وهن دانشگاه شده و مجوز تکرار دوباره این اتفاقات تلخ را صادر می‌کرد. به همین منظور ضروری بود برخوردی بازدارنده با این رفتارها صورت گیرد که در عین آنکه مانع از تکرار دوباره خشونت‌های افراطی می‌شود، خود تبدیل به بحرانی دست زدن به هر اقدامی که به باز تولید خشونت در دانشگاه کمک و انضباطی دانشگاه با دانشجویان خاطی در دانشگاه منتشر شد. در آخرین مورد دانشگاه تهران اعلام کرد که برای سه دانشجویی که به نمادهای ملی، جسارت کردند، پرونده انضباطی تشکیل شده و تا زمان برگزاری جلسه شورای انضباطی، این افراد، منع موقت از تحصیل خوردند. مواجهه دانشگاه با اتفاقات تلخی که در هفته گذشته در فضای آکادمیک اتفاق افتاد از چند جنبه مثبت و حازن اهمیت است؛

اول آنکه برای برهم زدنگان فضای آرام دانشگاه این پیام را داشت که اگرچه دانشگاه برای بیان اعتراض و نارضایتی دانشجوی، فضایی آزاد فراهم کرده و صدای دانشجویان را می‌شنود؛ اما میان اعتراض و هتک حرمت مقدسات و نمادهای ملی تمایز وجود دارد و طبیعتاً دانشگاه از این اتفاقات هیجانی و خشونت‌بار علیه هویت و نمادهای ملی، چشم‌پوشی نخواهد کرد. مواجهه دانشگاه با هتک حرمت کنندگان به نوعی هزینه تکرار دوباره این اقدامات به دور از شأن دانشگاه را بالا می‌برد. نکته دوم آنکه اصل برخورد با خاطیان در درون دانشگاه صورت گرفت و نهادهایی از خارج دانشگاه به ماجرا ورود نکردند. این موضوع هم بهانه‌ها را برای نادیده گرفتن اصل اتفاق رخ داده به حاشیه می‌برد و هم نشان می‌دهد که دانشگاه برای حفظ حیثیت و وجهت آکادمیک خود توانایی مدیریت بحران را دارد به همین منظور، برخورد با دانشجویانی که مرتکب خطا شدند در خود فضای دانشگاهی، می‌تواند پیام‌های مثبتی به جامعه منتقل و تا حد زیادی احتمال تکرار بی‌حرمتی‌ها را به صفر برساند.

چرخهٔ خشونت‌سازی را متوقف کنید

با وجود آرامش نسبی دانشگاه در روزهای گذشته اما اتفاقاتی در حال وقوع است که نگرانی‌ها در مورد احتمال ادامه خشونت در دانشگاه را زنده نگه می‌دارد و این نگرانی را تقویت می‌کند که دانشگاه به سمت قطعی شدن و دودستگی حرکت کند. در روزهای گذشته برخی کانال‌های معاند که کارویژه‌شان غیرعادی‌سازی فضای کشور در هر سطحی است، اقدام به انتشار اطلاعات دانشجویانی کردند که در جریان درگیری‌ها در دانشگاه حاضر بودند. این اقدام از دو طرف هم در مورد دانشسجویان بسیجی و هم

زنجیرهٔ درگیری‌های مرزی پاکستان و طالبان ادامه دارد

درگیری دسته و چاقو



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

باامداد روز گذشته (جمعه ۸ اسفند ۱۴۰۴، ۲۷ فوریه ۲۰۲۶)، ابتدا نیروهای طالبان افغانستان به دست‌کم ۱۷ پایگاه مرزی پاکستان حمله کردند و سپس این کشور، به چند شهر افغانستان از جمله دو شهر مهم کابل و قندهار حمله هوایی انجام داد. در پیامد این اتفاقات چندساعته، قضاپا در دو سمت ماجرا به‌گونه‌ای متفاوت امتداد یافت؛ پاکستان که برای هدف‌گیری افغانستان فعلاً مجبور به بهره‌گیری از ابزارهای نظامی مانند جنگنده‌هاست، از آمادگی خود برای جنگ خیر داده و طالبان که به گروه‌های شبه‌نظامی در داخل خاک پاکستان دسترسی دارد، از طریق این عوامل و متحدان، تحرکاتی در داخل این کشور ترتیب داده که شامل حمله به ایست و بازرسی‌ها و حملات انتحاری است. هم‌زمان با تنش‌های گرم در شمال شبه‌قاره هند، کشور‌های اسلامی و به‌طور ویژه ترکیه برای حل‌فصل ماجرا فعال شده‌اند. ترکیه به دلیل حضور در افغانستان طی دوره اشغال همراه با ناتو، روابط گرم چندسال اخیر با پاکستان و همچنین ارتباط با گروه‌های جهادی، دارای ظرفیت جهت میانجیگری میان دو طرف است. در هنگام آخرین دور درگیری، پیش از وقایع اخیر نیز این آنکارا بود که با میانجی‌گری میان اسلام‌آباد و کابل مسیر توقف درگیری‌ها را تسهیم کرد. برخی معتقدند واشنگتن در دورانی که دیگر در افغانستان حضور نظامی بر روی زمین ندارد، نسبت به این نوع از تحرکات ترکیه به‌عنوان عضوی از ناتو رضایت دارد.

بررسی توانایی و ظرفیت‌های نظامی

پاکستان ارتش قدرتمندی دارد؛ اما در مقابل افغانستان فاقد چنین نیرویی است. پاکستان دارای دو نوع قوای نظامی است؛ نخست ارتش و دوم شبه‌نظامیان مرتبط با این نیرو. ارتش دارای ۵۰۰ هزار نیرو است؛ اما حداکثر ۲۰۰ هزار نیروی شبه نظامی که توسط سازمان اطلاعات نیروی زمینی هدایت می‌شوند، در کنار آن قرار دارند. با اینحال درباره کارآمدی آنان در برابر طالبان تردیدهایی وجود دارد، زیرا این شبه‌نظامیان از ایدئولوژی‌های بنیادگرایانه مذهبی، مشابه این گروه بهره می‌گیرند. ازسوی دیگر جهت‌گیری این نیروها، داخل پاکستان و مرز با هند است. ارتش کلاسیک پاکستان با ۵۰۰ هزار نیرویی که در اختیار دارند، با ساماندهی سنتی، دارای شمار قابل توجهی از ادوات نظامی پیشرفته است. این تجهیزات شامل تانک‌های تی–۸۴ اوکراینی، تانک‌های چینی و صدها جنگنده است. ارتش پاکستان با توجه به محیط کوهستانی مرزهای دو کشور، برای مقابله با طالبان از توپخانه و جنگنده استفاده کرده است. توپخانه‌های ارتش پاکستان مناطق مرزی را در هم می‌کوبند و جنگنده‌ها با حملات عمقی به شهر‌های مهم، امنیت و اقتصاد طالبان را به چالش کشیده و توانایی دسترسی خود برای کام‌های بعدی، شامل ترور فرماندان این گروه را گوشزد می‌کنند. در سمت مقابل، طالبان فاقد قوای کلاسیک است. گرچه ارتش دوره جمهوری نیمچه قوای کلاسیکی داشت، اما این نیروها فاقد ساختار، آموزش و تجهیزات لازم برای یک ارتش کامل بودند. بهترین تجهیزات این ارتش روی زمین خودروهای زرهی و روی هوا، هواپیماهای رزمی سوپر ترکانو با موتور ملخی بودند. استفاده از این تجهیزات برای طالبان

دانشجویانی که در جریان ناآرامی‌ها دست به اقدامات ساختارشکنانه زدند، صورت گرفته است. مشابه این اقدامات در جریان ناآرامی‌های ۱۴۰۱ نیز تکرار شده بود. اما این بار تلاش‌های مضاعفی برای به خشونت کشاندن دانشگاه و تکرار اتفاقات تلخ ۱۸ و ۱۹ دی در حال بازتولید است. روشن است که انداختن دانشگاه در این مسیر پروژه‌ای از پیش تعیین شده است اما با توجه به میزان خشم بر‌ساخت شده، افتادن دانشگاه و دانشجوی در این ورطه، اتفاقاتی به مراتب تلخ‌تر از هفته گذشته را رقم می‌زند، دانشگاه را از فضای آکادمیک دور و به میدان جنگی داخلی میان دانشجویان تبدیل می‌کند که جز خسارت به دانشگاه و دانشجو نتیجه دیگری به همراه ندارد. بر همین اساس باید از دست زدن به هر اقدامی که به باز تولید خشونت در دانشگاه کمک و فضا را ملتهب کند، اجتناب کرد. انتظار می‌رود در شرایطی که برخوردهای هیجانی بر برخوردهای منطقی غلبه پیدا کرده است باید از هر اظهار نظر یا برخوردی که احتمال تحریک یا انداختن دانشگاه در ورطه‌های غیر علمی و سیاست‌زده را تقویت می‌کند، خودداری کرد.

دانشگاه باید با احتمال بروز خشونت چه کند؟

در این موقعیت بحران‌زا، طبیعتاً نوع مواجهه و برخورد رؤسای دانشگاه با اتفاقات رخ داده و تصمیماتی که در فضای دانشگاه گرفته می‌شود در مدیریت بحران یا تشدید آن تعیین‌کننده است. روشن است که دانشگاه می‌بایست به مثابه قوه عاقله در بلوای به راه افتاده ورود کند و اجازه ندهد دانشگاه به محیطی برای جنگ دانشجویان و توهین به نمادهای ملی تبدیل شود. حراست از حیثیت دانشگاه تا حد زیادی وابسته به تصمیمات مدیریتی است که رؤسای دانشگاه در مواجهه با آن اتخاذ می‌کنند. در این موقعیت اما رئیس دانشگاه شریف که در روزهای گذشته دانشگاهش شاهد بروز التهابات و ناآرامی‌هایی بود در نامه‌ای به وزیر علوم نکاتی را مطرح کرده که در کلان مسئله، خلاف آنچه دانشگاه باید در این موقعیت انجام دهد، معنا می‌شود. مسعود تجریشی در نامه‌ای که به وزیر علوم مدعی شده‌صدرصد دانشجویان هتاک را «سهمیه‌ای و انصرافی خوانده که معدل ۷۰ درصد این افراد زیر ۱۳ است.» او همچنین نوشته که «دانشجویانی که در هفته گذشته به خاطر هتاکی ممنوع‌الورود شدند، از سهمیه منطقه ۲، منطقه ۳ و ایثارگری، برای ورود به دانشگاه استفاده کردند.» انتشار این نامه انتقاداتی را در فضای مجازی به همراه داشت.

نکته اول آنکه آنچه رئیس دانشگاه شریف در مورد آمار دانشجویان خاطی منتشر کرده دقت نظر مورد نیاز ندارد و صرفاً یک ادعای کلی است. نکته دیگر آنکه در طرح موضوع دانشجویان سهمیه‌ای اشاره او به اینکه اکثر آنان دانشجویان سهمیه‌ای منطقه ۲ و ۳ و ایثارگر بودند هم فاقد دقت لازم است؛ چراکه دانشجویانی که می‌توانند از سهمیه برای ورود به دانشگاه استفاده کنند محدود به این سه گروه نمی‌شوند و سهمیه هیئت‌علمی‌ها در این شمارش جا افتاده است. نکته دیگر آنکه دانشجویانی که از سهمیه

آوارگان

جریان آوارگان از افغانستان به کشورهای همسایه همواره وجود داشته و جنگ با مسدود کردن مسیر مهاجرت آن‌ها به افغانستان، می‌تواند تعداد آوارگان به سمت ایران را افزایش دهد. این قضیه می‌تواند باعث افزایش فشار پاکستان به مهاجران افغانستانی مقیم این کشور شده و آن‌ها را به سمت ایران بکشاند. ازسوی دیگر، وقوع جنگ فزاینده می‌تواند علاوه بر افغانستانی‌ها، امواجی از آوارگان پاکستانی را هم ایجاد و به سمت ایران هدایت کند. هجوم آوارگان به سمت ایران از آنرو اهمیت که در صورت وقوع جنگ، تعداد آن‌ها میلیونی بوده و مناطق شرقی کشور از نظر زیرساخت توان نگهداری تعداد بالایی از آن‌ها را ندارند. به‌طورکلی امکان اسسکان در مناطق شرقی، غربی و شمالی به دلایل متعدد وجود ندارد و در نتیجه، مناطق مرکزی و جنوبی باید پذیرای این جمعیت‌ها باشند. این قضیه می‌تواند برای دولت در امور خدماتی و برای جامعه معضلاتی ایجاد کند.

اقتصادی

هجوم میلیون‌ها آواره به‌داخل کشور، نیازمند اختصاص میلیاردها دلار بودجه‌برای ساماندهی مرزها و اوضاع آن‌هاست. ازسوی دیگر، یک‌راهکار برای کاهش شیب مهاجرت‌ها، ارائه کمک درون کشورهای درگیر جنگ است.

امنیتی

گروه‌های تروریستی زیادی در افغانستان و پاکستان لانه دارند و نقل‌وانتقال میلیون‌ها نفر، با این‌ها فرصت را می‌دهد تا به شکل فعال یا غیرفعال، اعضا و هواداران خود را بین کشورها جابه‌جا کنند. این امر مشکلی بیش از اقدامات تروریستی در پی دارد، زیرا بخشی از این گروه‌ها چندجانبه بوده و در اصل گروه‌های جنایت‌کار محلی‌اند که به سفارش گروه‌های بزرگ‌تر و دولت‌ها، در اقدامات تروریستی مشارکت می‌کنند. در نتیجه افزایش جرم و جنایت، مانند دزدی، گروگان‌گیری، قاچاق انسان، قاچاق اعضا، انتقال مواد مخدر و اقدامات ضدامنیتی تشدید می‌شود.

نکات

۱ سخنگوی طالبان گفته که حملات هوایی پاکستان تلفات نداشته است. منظور مجاهد، عدم تلفات در صفوف طالبان است. هدف از این کار، کاهش اهمیت حملات هوایی پاکستان، نشان دادن کور بودن اطلاعاتی این کشور، ضروری نشدن انتقام و منتهم کردن به کشتار مردم طالبان در حال بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و پیپاد و کوادکوپترهای تجاری برای حملات مرزی و یا عملیات از درون خاک پاکستان است.

۳ حملات پاکستان به افغانستان به شکل کلاسیک بود، اما طالبان دارای نفوذ داخل خاک پاکستان است. مشکل پاکستان آنجاست که عامل نفوذش در افغانستان، به دشمن این کشور تبدیل شده است.

۴ به نظر می‌رسد جناح‌هایی از طالبان در حال حمایت از گروه‌های تروریستی در کشورهای منطقه هستند. این جناح‌ها در پاکستان

منطقه ۲ و ۳ استفاده می‌کنند، در زمره دانشجویانی هستند که در مناطق کمتر برخوردار تحصیل می‌کنند. در واقع این سهمیه در راستای برقراری عدالت آموزشی در دانشگاه، اجرا می‌شود و جزء سهمیه‌های رانتی محسوب نمی‌شود.

برای آسیب‌شناسی التهابات چاره‌اندیشی کنید

در نگاهی کلی، نامه رئیس دانشگاه شریف در هیچ کدام از سطوح نمی‌تواند زمینه آرام کردن فضای دانشگاه و جامعه را فراهم کند، بلکه نتیجه‌ای عکس دارد. برای آسیب‌شناسی واقعیت آنچه در هفته گذشته در دانشگاه رخ داد، نمی‌توان تنها با استناد به سهمیه‌ای بودن دانشجویان، اتفاقات رخ داده را تحلیل‌ل کرد، کامیالیکه بر مبنای برخی آمار پراکنده از دانشجویان هتاک در دانشگاه، در زمره طبقات برخوردار جامعه بودند و در نقطه مقابل، دانشجویانی که جزء طبقات چندان برخوردار جامعه نبودند، فضای سالم‌تر و آرام‌تری را برای دانشگاه رقم زدند. آنچه رئیس دانشگاه و مسئولان دانشگاه در وهله اول باید به آن توجه کنند، ارائه تصویری دقیق و درست از آنچه در دانشگاه رقم خورده به منظور مواجهه صحیح با این اتفاقات است؛ اما طرح موضوعاتی مثل ورود دانشجویان با سهمیه منطقه و معرفی آنان به عنوان هتاکان نه تنها دورنمای روشنی از بحران ارائه نمی‌کند بلکه زمینه ایجاد بحرانی تازه را فراهم می‌کند. پیش از این به این موضوع اشاره شد که برای جلوگیری از تکرار این اتفاقات نیازمند سازماندهی در سهمیه‌های ورودی دانشگاه‌ها هستیم تا ضمن آنکه عدالت آموزشی برقرار می‌شود، دانشجویانی وارد فضای آکادمیک برتر علمی کشور شوند که به جای آنکه دانشگاه‌های دولتی را پلی برای مهاجرت به کشورهای دیگر کنند، از دانش اندوخته‌شان در داخل کشور استفاده کنند. اما اظهاراتی که رئیس دانشگاه شریف طرح کرد ضمن آنکه تصویر روشنی از هتاکان ارائه نمی‌دهد بلکه برعکس به خطا به طیفی از دانشجویان که تفکراتی مقابل جریان هتاک دارند اشاره می‌کند. این برداشت خطا به جای آنکه زمینه آرام کردن دانشگاه را فراهم کند و برخوردی سخت با هتاکان باشد، بهانه تازه‌ای برای عصبانی کردن دانشجویان و مدیدن بر آتش دوقطبی‌ها فراهم می‌کند. اگرچه پس از انتقادات گسترده به نامه رئیس دانشگاه شریف، این دانشگاه در پیامی اینطور نوشتست که: «دانشگاه در راستای موضوع رفع تبعیض و ساماندهی به سهمیه‌های ورودی، در حال تهیه یک گزارش تحلیلی بر مبنای آمار سال‌های اخیر از زوایای گوناگون با هدف ارزیابی نقش سهمیه‌های مختلف در تحقق عدالت آموزشی است که متأسفانه بخشی از نسخه اولیه این گزارش به‌صورت خام و ناقص در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته و مبنای برخی تحلیل‌های نادرست شده است.» با این حال همچنان این ضرورت احساس می‌شود که دانشگاه و مسئولان با در نظر گرفتن همه جوانب و حساسیت فضای جامعه نسبت به انتشار مطالب و موضوعات مرتبط با اتفاقات اخیر، اقدام کنند.

بیت

بیت

از «طالبان پاکستان»، در تاجیکستان از «طالبان تاجیکستان» و در خصوص ایران هم شواهدی وجود دارد که از گروهیک تروریستی موسوم به «جیش الظلم» حمایت می‌کنند. علاوه بر این حمایت‌ها، این جناح‌های تندرو خود نیز دست به فعالیت می‌زند که ترور برخی از مقامات سابق افغانستانی در کشورهای مختلف از این جمله‌اند.

۵ بر اساس توافق قبلی که در ترکیه منعقد شده و درگیری‌ها متوقف شد، در اصل این پاکستان بود که دیگر حمله‌ای انجام نمی‌داد، اما حملات تروریست‌هایی که با طالبان مرتبط تلقی می‌شوند، بی‌وقه ادامه داشت.

بیت

بیت